

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۹

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال هشتم، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۸

## بررسی استنادات قرآنی دلایل «وصیت، معجزه، رؤیا و استخاره» در ادعای امامت احمدالحسن

سید محمد مهدی موسوی<sup>۱</sup>

### چکیده

مهدویت از مهم‌ترین آموزه‌های اسلامی است که به جهت برخی ویژگی‌ها، فراوان در معرض استفاده افراد منحرف و سوذجو قرار گرفته که تبیین و دفاع در این راستا همّتی جدی می‌طلبد. از خلاءهای آشکار در این مواجهه، عدم استفاده از معارف والای قرآن است. قرآن به ضمیمه سخنان اهل بیت معیار در تشخیص حق از باطل است. از جمله افرادی که در عصر حاضر مدعی یمانی، مهدویت، قائمیت و امامت شده احمد اسماعیل هنبوشی<sup>۲</sup> است. این تحقیق می‌کوشد با بررسی برخی مستندات قرآنی وی، در دلایلی چون وصیت، معجزه، رؤیا و استخاره، که برای ادعاهای خود اقامه کرده، ادعای امامت او را از منظر آیات شریفه قرآن، به بوته نقد گذاشته و ابطال آن را اثبات کند.

### واژگان کلیدی

احمدالحسن، مدعی یمانی، نقد مستندات قرآنی.

۱. دانش‌آموخته درس خارج حوزه علمیه، دانش‌پژوه سطح چهار تخصصی امامت و عضو گروه علمی و پژوهشگر بنیاد

فرهنگی جعفری علیه السلام (S.Mahdiyar14@gmail.com).

۲. احمد بن اسماعیل بن صالح بن حسین بن سلمان بن داوود بن هنبوش، (فرج الله، ۲۰۱۵: م ۱۲۱). لازم به ذکر است

در این نوشتار از اسامی واقعی او یعنی «احمد اسماعیل» یا «احمد بصری» یاد می‌شود.

## مقدمه

مهدویت و آموزه‌های آن، سابقه‌ای بس طولانی در اسلام دارد و نقش تأثیرگذار آن برکسی پوشیده نیست و از طرفی مسلمانان - به خصوص شیعیان - به این امر بنیادین، اعتقاد راسخ دارند. روشن است هر چه باوری واقعی و اصیل بوده و در قلوب توده‌های مردم رسوخ کرده و برای آنان با اهمیت باشد؛ چشم طمع افراد سودانگار و منحرف، بیشتر متوجه آن شده، درصدد سوءاستفاده بر خواهند آمد. مهدویت به جهت ویژگی‌هایی خاص، بیشتر در معرض بهره‌جویی و استفاده افراد منحرف قرار گرفته است. پیشینه طولانی فرقه‌های منحرف - که به قرن نخست برمی‌گردد -<sup>۱</sup> دلیلی بر این مدعاست.

جریان انحرافی تحت عنوان احمد الحسن - مدعی یمانی - ادعا می‌کند وصی، فرزند و فرستاده امام زمان علیه السلام است که در اواخر سال‌های حاکمیت صدام بروز کرد. پس از سقوط صدام، با کمک برخی از باقیمانده‌های رژیم بعث، تشکیلات وسیعی را در مناطقی هم‌چون نجف، کربلا و بصره به راه انداخت. مؤسس جریان، شخصی به نام احمد اسماعیل از قبیله صیامراست که در منطقه‌ای به نام «هویر» از توابع شهرستان «زبیر» از استان بصره متولد شد. وی در سال ۱۹۹۹م، از دانشکده مهندسی بصره فارغ‌التحصیل شد (<http://yamaninews.com>) و مدتی هم در حوزه شهید سید محمد صدر در نجف تلمذ کرد. (احمد اسماعیل، بی‌تا(الف): ۴۸، ۵۹) بنابر اخبار مؤثق برادر وی از نیروهای بعثی بوده است. ([www.//.almahdyoon.org](http://www.almahdyoon.org))

برخی از ادعاهای احمد اسماعیل عبارتند از:

- خود را فرزند با واسطه امام مهدی علیه السلام می‌داند (ر.ک: ناظم العقیلی، ۱۴۳۲ق) و با این سلسله نسب خود را به آن حضرت منتسب می‌کند: احمد بن اسماعیل بن صالح بن حسین بن سلمان بن امام مهدی علیه السلام؛ که ادعایی غیرقابل اثبات است.
- خود را امام مفترض الطاعه<sup>۲</sup> می‌پندارد که توهم امام سیزدهم از ادعایش برداشت می‌شود. (کلینی، بی‌تا: ج ۱، ۵۳۴).<sup>۳</sup>

۱. همانند کیسانیه، زبیده، ناوسیه و اسماعیلیه (ر.ک: سلیمیان، ۱۳۸۶ش: ج ۱).

۲. «و هو امام مفترض الطاعه من الله» (احمد اسماعیل، ۱۴۳۱ق «ب»: الجزء الرابع، ۴۶)

۳. لازم به ذکر است که او صراحتاً این ادعا را نکرده ولی از برخی روایات این توهم پیش می‌آید که تعداد امامان ۱۳ نفر

- مهدی و قائمی که جهان را پراز عدل و داد می‌کند. (احمد اسماعیل، ۱۴۳۱ق: ج ۱، ۴۴).  
 - همو که انبیای پیشین مژده آمدنش را داده‌اند. (احمد اسماعیل، ۱۴۳۱ق (الف): ج ۱، ۱۸).  
 - او معتقد است پس از امام مهدی علیه السلام، دوازده مهدی که همگی قائم و از فرزندان آن حضرت هستند به ترتیب جانشین او خواهند شد و او اول المهدیین است.  
 - او ادعا می‌کند در حال حاضر وصی و جانشین امام مهدی علیه السلام است.<sup>۱</sup>  
 - خود را یمانی موعود می‌داند.<sup>۲</sup>  
 - فرستاده از سوی امام مهدی علیه السلام برای هدایت انسان‌هاست، که همه باید به او ایمان بیاورند و الا وارد آتش می‌شوند. (احمد اسماعیل، سخنرانی: ۱۳/۶/۱۴۲۵)  
 - او ادعا می‌کند با وجود او تقلید از مراجع تقلید جایز نیست و همه باید از او تقلید نمایند.  
 (سلمان، ۱۴۳۳ق: ۱۲)

ادعاهای احمد اسماعیل بیش از این موارد است که در کتاب *الرد القاصم* نزدیک به ۵۳ ادعا از او ذکر شده است. (آل محسن، ۱۴۳۴ق: ۵۵) وی برای اثبات مدّعی خود به چند دلیل استناد می‌کند:

نص، علم، دعوت به حاکمیت خدا و خواب‌هایی که اشخاص درباره او دیده‌اند - علاوه بر خواب‌هایی که خود او دیده - و اخبار از حوادث آینده مثل سقوط صدام و آمادگی برای مناظره با دانش وران اسلام، یهود و مسیحیت! و آمادگی برای مباحله با عالمان شیعه و سنی و یهودی و نصرانی! بدیهی است که عنوان کردن این ادله بدون اثبات ارزش علمی ندارد. جریان یمانی در ادامه تبلیغ‌های خود، وارد فاز عملی و نظامی نیز شده است و در جریان توطئه ترور عالمان نجف که در عاشورای سال ۱۳۸۵ شمسی توسط جریان «جند السماء» برنامه‌ریزی شده بود،

---

هستند که احمد اسماعیل و انصار او این روایات را به او تطبیق می‌دهند؛ که در صفحات آتی خواهد آمد. هم‌چنین دکتر علا سالم از شخصیت‌های مورد قبول احمد اسماعیل در کتاب «احمد موعود...» به این ادعا تصریح می‌کند و می‌گوید: قائم احمد... آن سیزدهمین از بیست و چهار امام است. (السالم، ۱۴۳۳ق: ۳۹) ضمن این‌که احمد اسماعیل و انصارش در تایید ادعای خود به اوصافی از قبیل «نص، علم خاص و معجزه» که از شرایط خاص مقام امامت هستند، استناد می‌کنند. به عنوان مثال در بحث وصیت تصریح می‌کنند که وصیت از ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد امامان است. آنها در بند اول «قانون شناخت خلفای الهی» بر این مسئله تأکید دارند.  
<https://www.almahdyoon.com>

۱. احمد اسماعیل در ذیل عنوان تمام کتاب‌هایی که نوشته، از این ادعا در کنار اسم خود یاد کرده است.
۲. احمد اسماعیل در همه کتاب‌های خود در ذیل اسم خویش به این مدعا تصریح کرده است.

مشارکت داشته که مُنجر به کشته شدن دویست نفر از آنان شد. هم‌چنین در عملیات نظامی علیه مردم بصره مشارکت داشته‌اند که در آن جا نیز متحمل شکست از پلیس عراق شدند. (<https://www.almahdyoon.com>)

در رد جریان احمد اسماعیل از سوی دانشوران شیعه کتاب‌ها و مقاله‌هایی به رشته تحریر در آمده است؛<sup>۱</sup> اما رساله‌ای که با محوریت به قرآن به این جریان انحرافی پرداخته باشد به چشم نمی‌خورد. در این مقاله به نقد استنادات قرآنی وی در دلیل وصیت، رؤیا، استخاره و معجزه پرداخته می‌شود.

واژه «فرقان» در قرآن کریم به معنای جداکننده بین حق و باطل است. از آن جا که قرآن، کتابی است که به حق نازل شده و حق محض است (اسراء: ۱۰۵) بنابراین همیشه، معیار تشخیص حق و باطل خواهد بود و نمی‌گذارد که باطل با حق بیامیزد.

از اوصاف دیگر قرآن علاوه بر فرقان بودن، هدایتگری آشکارانه است (بقره: ۱۸۵) که هدایت می‌کند به آن چه استوارترین است (اسراء: ۹). روایات اهل بیت علیهم‌السلام، «آن چه استوارترین است» را «ولایت و امامت» بیان کرده‌اند (کلینی، بی‌تا: ج ۵، ۱۳، ح ۱؛ عیاشی، ۱۳۸۰ ش: ج ۲، ۲۸۳، ح ۲۵).<sup>۲</sup> یعنی قرآن، به سوی ولایت امامان معصوم علیهم‌السلام، دعوت و راهنمایی می‌کند (عیاشی، ۱۳۸۰ ش: ج ۱، ۱۳).<sup>۳</sup>

پژوهش حاضر به منظور بررسی مستندات قرآنی احمد اسماعیل، صورت می‌گیرد تا حق یا باطل بودن آن را از قرآن آشکار کند. لازم به ذکر است از آن جا که مدعی یمانی و پیروانش خاستگاه شیعی دارند، برای پیشبرد اهداف خود - با کنار گذاشتن علم رجال - هرگونه روایتی را مستند خود قرار می‌دهند (ر.ک: المغربی، ۱۴۳۴ ق: ذیل دفاع از سند حدیث وصیت).

۱. برای مشاهده کامل کتاب‌ها و مقاله‌ها در رد احمدالحسن ر.ک: به سایت المهدیون ([www.almahdyoon.org](http://www.almahdyoon.org)).

۲. امام صادق علیه‌السلام، در تفسیر آیه فوق فرمودند: «کلمه «یهدی» به معنای «یدعو» است، یعنی این قرآن دعوت می‌کند. تفسیر عیاشی از حضرت باقرالعلوم علیه‌السلام، نقل کرده که فرمودند: «مقصود از «آن چه استوارترین است» ولایت است و قرآن به ولایت دعوت می‌کند».

۳. «مَنْ لَمْ يَعْرِفْ أَمْرَنَا مِنَ الْقُرْآنِ لَمْ يَتَنَّكَ الْفِئْتَنُ».

## بررسی مستندات قرآنی احمد اسماعیل در وصیت

### ۱. اثبات اصل وصیت برای رسول خدا ﷺ

احمد اسماعیل و پیروانش در دو مرحله برای اثبات وصیت به قرآن متمسک شده‌اند. ابتدا اثبات اصل وصیت رسول خدا ﷺ و سپس مطابقت حدیث وصیت با قرآن. او در مُعْظَم کتاب‌هایش و به خصوص کتاب الوصیه العاصمه من الضلال در مورد منصوص بودن خود می‌گوید تنها او وصیت جدش را آشکار کرده و هم‌چنین منحرفان به او در سایت انصارالمهدی در بند اول قانون شناخت خلفای الهی چنین می‌گویند:

وصیت عهد و پیمانی از جانب خدا و رسول ﷺ و هم‌چنین سنتی از سنت‌های جاری الهی است و وصیت این چنین جریان پیدا کرد تا این که به رسول الله ﷺ رسید که عیسی علیه السلام به نام ایشان وصیت کرد و خداوند از زبان ایشان می‌فرماید: «مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنَ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ» (صف: ۶) کسی جز صاحب وصیت نمی‌تواند ادعای آن را بکند و الا هرگز دلیلی روشن نخواهد بود. و اگر دیگران در این ادعا تمکین می‌یافتند دیگر وصیت از ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد امامان نبود.

مدعی یمانی در ادامه به آیه شریفه: «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَابِيلِ \* لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ \* ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ» (حاقه: ۴۴-۴۶) اشاره کرده و می‌گوید این آیه در مورد ولایت و وصایت امیرالمؤمنین علیه السلام است و تهدیدی است بر پیامبر ﷺ که اگر از جانب خویش شخص دیگری را معرفی کنی رگ گردنت را می‌زنیم پس خداوند اجازه نمی‌دهد کسی در وصیت تصرف کند.

### نقد و بررسی

از دیدگاه شیعه امامیه امام باید منصوب از جانب خدا باشد و تا نصب الهی نباشد امامت تحقق نمی‌یابد (ر.ک: مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۲، ۳)؛ در این صورت نص الهی کاشف از این نصب است. شیعه معتقد است امام تعیین شده از سوی خدا باید اوصاف و ویژگی‌هایی داشته باشد تا او را از دیگران ممتاز گرداند و شاهی بر صدق ادعای امامت او باشد. این ویژگی‌ها عبارتند از: علم الهی، معجزه و عصمت (میلانی، ۱۳۹۰ش: ج ۲، ۳۳). صرف ادعا کردن منصوصه بودن امامت با استناد به حدیثی که ایرادهای سندی و دلالی و اضطراب متن دارد برای امامت کافی نیست. (ر.ک: سلمان، ۱۴۳۳ق: ۶۳)

وی در مغالطه‌ای آشکار استناد به بشارت حضرت عیسی علیه السلام به آمدن حضرت ختمی مرتبت می‌کند و از بشارت ایشان برداشت وصیت می‌کند. (احمد اسماعیل، ۱۴۳۳ق: ۳۷)

اما این سخن که کسی غیر از پیامبر ﷺ یا وصی او نمی تواند ادعای وصیت کند، باطل است زیرا در طول تاریخ با کسانی برخورد می کنیم که ادعای نبوت و امامت داشته و حتی به حدیث وصیت هم استناد کرده اند.<sup>۱</sup> آیا صرف این که بگوییم وصیت را کسی به غیر از وصی نمی تواند ادعا کند دلیل بر وصایت شخصی می شود؟!

اما آیات سوره حاقه، اولاً اختصاصی به وصیت و خلافت امیرمؤمنان علیه السلام نداشته و شامل تمام بیانات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می باشد. زیرا این سوره مکی بوده و به گواه آیات قبل و بعد، مخاطب آیه مشرکان و کافران مکه هستند و خداوند برای این که باور کنند که قرآن کلام و سخن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیست می فرماید: اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برخی از سخنان را که ما نگفته ایم به دروغ بر ما نسبت می داد، رگ حیات و زندگی را می بریدیم. بنابراین آیه مذکور مدعای او را ثابت نکرده، شامل تمام بیان های رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می شود. از این رو نمی توان ادعا کرد خداوند اجازه نمی دهد هرکسی فقط در وصیت تصرف کند؛ زیرا آیه عمومیت داشته و خداوند باید جلوی هر تصرف نابه جایی را از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در معارف دین بگیرد.

ثانیاً عدم تصرف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خلافت و جانشینی حضرت امیر علیه السلام ارتباطی به عدم تصرف دیگران در حدیث وصیت و امور دینی ندارد. چنان چه گذشت افراد فراوانی در همه اعصار مدعی نبوت و مهدویت بوده اند و یا این که در معارف دین تصرفاتی داشته، بدعت هایی ایجاد کرده اند و خداوند هم جلوی تصرف ایشان را نگرفته است.

از روایاتی که مستمسک احمد اسماعیل و اتباعش قرار گرفته روایت وصیت است که نقدهای دلالی و سندی فراوانی بر این روایت وارد است. (ر.ک: سلمان، ۱۴۳۳ق: ۶۳)

## ۲. موافقت حدیث وصیت با قرآن

از جمله قرائنی که پیروان مهدیان دروغین بر صحت این روایت بیان می کنند موافقت این روایت با قرآن است؛ ناظم العقیلی در کتاب *دفاع از وصیه* در این زمینه چنین می نویسد:

این روایت موافق قرآن است و همه مذاهب اسلامی اتفاق نظر دارند که اگر روایتی موافق قرآن بود لازم است به صحت آن اعتماد کنیم هرچند سند آن روایت ضعیف باشد یا اصلاً سندی نداشته باشد (العقیلی، ۱۴۳۲ق: ۱۵).

زیرا در قرآن آمده که هنگامی که مرگ کسی فرا می رسد، اگر مالی از خود باقی می گذارد،

۱. همانند ادعای وصایت علیرضا پیغان در قم که اعدام شد. (www.shia-news.com)

برای پدر و مادر و خویشاوندان به نیکویی وصیت کند (بقره: ۱۸۰).<sup>۱</sup> طبق این آیه حتماً پیامبر ﷺ وصیت کرده چون اولین عامل به شریعت است و اگر کسی منکر این روایت شود که پیامبر ﷺ وصیت نکرده کافر به آن چه بر محمد ﷺ نازل شده می باشد. پس این روایت صحیح است (العقیلی، ۱۴۳۲ق: ۱۶).

### نقد و بررسی

کلام او خالی از اشکال نیست زیرا اولاً: قبول روایت ضعیفی که موافق قرآن باشد اجماعی نیست و از خصائص مذهب اهل بیت علیهم السلام است و دیگران منکر این حدیث هستند و آن را جعلی می دانند (شوکانی، ۱۴۰۷ق: ۲۹۱).<sup>۲</sup> در حالی که عقیلی آن را به همه مذاهب اسلامی سرایت داده است.

ثانیاً: از فراز «حقاً علی المتقین» فهمیده می شود که این تکلیف وجوبی ندارد (طباطبایی، ۱۳۸۳ش: ج ۱، ۶۶۷) تا بتوان از آن وجوب وصیت پیامبر ﷺ را استفاده کرد. ضمن این که روایتی مبنی بر نسخ دستور این آیه با آیات ارث وارد شده است (عیاشی، ۱۳۸۰ش: ج ۱، ۷۷).

ثالثاً: بر فرض وجوب، ظاهر این آیه ناظر به وصیت مختص به میراث والدین و امور شخصیه «دین» است، نه این که شامل امور امامت و آینده اسلام باشد. ضمن این که در صورتی وصیت بر انسان واجب است که نشانه ها و علائم مرگ بر او آشکار شده و بر عهده او دین یا حقوقی است که ورثه او آن را باید انجام دهند.

نهایت این که بر فرض این آیه ثابت کند که پیامبر ﷺ وصیت کرده باشند لکن آیا صحت تمام فقره های روایت وصیت و تطبیق آن بر احمد اسماعیل را هم ثابت می کند؟! آیا وصیت به چه کسی موافقت با کتاب لازم دارد؟!

چه بسا روایاتی دیگر در مورد وصیت پیامبر ﷺ در شب وفات شان به چشم می خورد که خالی از اسامی مهبیین است (رک: سلیم بن قیس، بی تا: ۲۱۱؛ کلینی، بی تا: ج ۱، ۲۸۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۲، ۴۸۲؛ النعمانی، ۱۳۹۷ق: ۶۱). ضمن این که نزاع ما در اثبات امامت دوازده مهدی بعد از امام زمان علیه السلام است نه اثبات وجوب یا استحباب وصیت پیامبر ﷺ.

### بررسی مستندات قرآنی احمد الحسن در معجزه

چنان چه از عبارت علامه حلی در کتاب *الالفین* به دست می آید معجزه، راهی

۱. كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ.

۲. شوکانی از یحیی بن معین و ذهبی این قول را نقل می کند.

مستقل و معادل با نص در تعیین امام است (علامه حلی، بی تا: ۲۷). او اذعان می‌کند که عقیده امامیه بر این است که برای اثبات امامت فردی، راهی جز نص از پیامبر ﷺ یا از امامی که امامتش با نص ثابت شده است، یا آفرینش معجزه به دست او، وجود ندارد. محقق حلی نیز گفته است:

قالت الامامية: لا طريق الى تعيينه الا النص والمعجز (محقق حلی، بی تا: ۲۱۲).

احمد اسماعیل از این طریق برای شناخت امام یاد می‌کند (احمد اسماعیل، ۱۴۳۷ق: ۱۰۰) اما برای فرار از آن، معجزات انبیاء و امامان را همانند فرقه ضالّه بهاییت (ر.ک: یزدانی، ۱۳۵۰ش: ۷۵) به نوعی توجیه می‌کند تا راه فراری برای خویش بگذارد. احمد اسماعیل در کتاب *عقائد الاسلام* (همان) در بیان معجزه انبیاء و اولیاء در قرآن می‌گوید:

معجزه بر دو گونه است. معجزه قاهره «کوبنده و آشکار» و غیر قاهره. او می‌گوید: لابد آن بکون فی المعجزه شی من اللبس. به ناچار باید در معجزه مقداری پوشیدگی وجود داشته و آشکار نباشد. به دلیل آیه «وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَ لَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يُلْبَسُونَ» (انعام: ۹).<sup>۱</sup>

او مدعی است معجزه‌ای که صورت گرفته اگر در خلال آن لَبَس باشد، ایمان و توبه افراد قبول می‌شود ولی اگر در معجزه لَبَس نبود و آشکار و واضح بود دیگر توبه آن افراد قبول نمی‌شود و مستحق عذاب می‌شوند، زیرا معجزه حدود و قیودی دارد. وی برای اثبات مدعای خویش به آیه قبل استناد می‌کند:

«وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَ لَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكًا لَقُضِيَ الْأَمْرُ لِمَا لَا يَنْظُرُونَ» (انعام: ۸).<sup>۲</sup>

وی برای تأیید نظر خود به پذیرش توبه ساحران فرعون در هنگام تبدیل شدن عصا به اژدها و عدم قبول توبه فرعون بعد از شکافتن رود نیل نیز استناد می‌کند.

### نقد و بررسی

مدعی یمانی در این فراز با تفسیر به رأی حق و باطل را آمیخته تا مقصود خود را از آیه

۱. و اگر او را فرشته‌ای قرار می‌دادیم، حتماً وی را [به صورت] مردی در می‌آوردیم، و امر را بر آنان مشتبه می‌ساختیم.  
۲. و کافران گفتند چرا فرشته‌ای بر محمد نازل نشد؟ اگر فرشته‌ای نازل می‌کردیم کار یکسره می‌شد و دیگر مهلت داده نمی‌شدند.



برداشت کند؛ زیرا اولاً آیاتی که از سوره انعام مستند ایشان قرار گرفته، اشاره به تکذیب مشرکین و کفار و پافشاری شان در انکار حق و استهزاءشان به آیات خداوند سبحان دارد. نتیجه این استکبار، روی گرداندن از آیات و معجزات الهی است، به طوری که دیگر به هیچ آیه‌ای از آیات التفات نمی‌کنند. از این رو خداوند با آنان به عدل خود رفتار می‌کند و دیگر مهلت داده نمی‌شوند. پس مخاطب آیه، همه انسان‌هایی که حقیقت بر آنها مشتبه شده و دنبال کشف حقیقت هستند نیست. بنابراین ادعای وی در پوشیده بودن معجزه از این آیه قابل برداشت نخواهد بود.

توضیح بیشتر این که در آیه نهم سوره انعام معمول «یلبسون» حذف شده و چه بسا از این حذف معمول، استفاده عموم شود یعنی تقدیر آیه چنین می‌شود: «... وَلَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبُسُونَ» (انعام: ۹) و هر آینه مشتبه می‌کردیم بر کفار آن چیزی را که خودشان مشتبه می‌کردند. پس این لبس به نوعی از جانب خود کفار است. یعنی خودشان باعث این لبس شده‌اند. نه این که خداوند در معجزه لیبسی قرار داده باشد. مشتبه کردن بر خود نیز به این نحو است که: خود را به این خیال بیاندازند که حق باطل است و باطل حق، آن‌گاه همین خیال را در دل خود جای دهند و به دنبال باطل به راه بیفتند. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۸۳ ش: ج ۷، ۲۶)

ثانیاً اگر قرار باشد معجزه پوشیدگی داشته باشد دیگر معجزه نیست. خداوند در قرآن کریم از معجزه تعبیر به «آیات بینات» نشانه‌های آشکار<sup>۱</sup> کرده است (اسراء: ۱۰۱). پس معجزه به دو شکل نیست بلکه فقط آشکار است.

ثالثاً این که احمد اسماعیل عدم پذیرش توبه فرعون را به خاطر عدم پذیرش معجزه قاهره دانست محل تأمل است، زیرا فرعون در حال غرق شدن درخواست توبه و اظهار ایمان کرد که این ارتباطی به دیدن معجزه ندارد. او با دیدن معجزه (شکافتن رود نیل) باز هم دست از تعقیب موسی عليه السلام برنداشت. بلکه وقتی در شرف غرق شدن قرار گرفت اظهار ایمان کرد (یونس: ۹۰) و عدم قبول توبه فرعون به جهت فرا رسیدن لحظه مرگ بوده است و قرآن به عدم قبولی توبه در این لحظه تصریح کرده است (نساء: ۱۸).

فرقه احمد بصری برای فرار از معجزه به دسته‌ای دیگری از آیات استناد کرده‌اند. آیاتی در قرآن کریم در مقام نکوهش کفار از این جهت که آنان از معجزات الهی اعراض نموده و تسلیم

۱. البَيِّنَةُ: الدلالة الواضحة عقلية كانت أو محسوسة (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳ ش: ج ۱، ۱۵۷)

پیامبران نگشتند وجود دارد. (انعام: ۴؛ حجر: ۸۱؛ یس: ۴۶) بدین جهت احمد اسماعیل معجزه‌ای نمی‌آورد تا مردم از وی رویگردان نشده دچار عذاب نگردند. که در پاسخ این کلام سخیف گفته می‌شود که این دسته از آیات، إعراض کفار از آیات الهی را نکوهش می‌کند و هرگز ضرورت معجزه را نفی نمی‌کند. ضمن این که اگر بنا باشد به این دلیل آوردن معجزه انکار شود، هر آینه انبیاء الهی نیز نباید معجزه‌ای ارائه می‌کردند.

### بررسی دلیل رؤیا بر حقانیت احمد اسماعیل

بنا به اعتقاد جریان مدعی یمانی و مهدویت یکی از راه‌های شناخت حجت‌های الهی در هر زمان، به خصوص یمانی، وحی الهی به وسیله رؤیاهای صادقانه به مؤمنین همان زمان بوده است. آنان به رؤیای حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت یعقوب علیه السلام، حضرت یوسف علیه السلام و مادر حضرت موسی علیه السلام در قرآن استناد می‌کنند (احمد اسماعیل، ۱۴۳۷ق: ۷۱).  
هم چنین انصار احمد بصری می‌گویند:

تمام آن رؤیاها در زمین تحقق یافت و در قالب واقعیت پدیدار گشت؛ زیرا منبع و مصدر آن تنها از جانب خداوند متعال است. خواهان گفتن این نیستیم و نمی‌گوییم ما به واسطه آن حکم شرعی فقهی را جاری می‌کنیم و نمی‌گوییم که آن عقیده یا مفهوم عقیده را دارد، بلکه ما از طریق آن، مصداق در باب عقیده به خلافت الهی بر زمین را تشخیص می‌دهیم و بیان می‌داریم که مصداق این عقیده در عالم رؤیا می‌باشد همان گونه که در قرآن موجود است و یعقوب نبی علیه السلام به واسطه رؤیا، تشخیص داد که خلیفه الهی بعد از او، فرزندش یوسف می‌باشد. (<https://www.almahdyoon.com>)

با تصریح انصار احمد بصری در این مسئله، نمی‌توان بیان کرد که با وجود روایاتی که منع از اثبات عقیده شرعی توسط خواب دارند<sup>۱</sup> نباید از آن به عنوان دلیل شرعی استفاده کرد زیرا آنان درصد اثبات عقیده نیستند بلکه در صدد تشخیص مصداق از طریق رؤیا هستند.

### نقد و بررسی

در بررسی این دلیل بر مدعی وی، خواهیم دید که این ادعا برای اثبات چنین مقام و شأن والایی باطل است زیرا؛ اولاً خواب‌هایی که بدان‌ها استناد شده عموماً از نوع وحی، آن هم برای حجج الهی است. دوم این که هیچ کدام از این خواب‌ها در بیان اثبات مدعی پیامبری آنان

۱. «إِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يُرَى فِي النَّوْمِ» (صدوق، ۱۳۸۵ق: ج ۲، ۳۱۲)

نبوده برخلاف رؤیایی که شما به جهت اثبات ادعای خود دنبال آن هستید. هیچ پیامبر و ولی الهی حقانیت خود را با خواب اثبات نکرده است. مخصوصاً که خواب صرف ادعا است و امکان دارد آدم دروغگو هم ادعای آن را بکند.

ثانیاً بر فرض قبول یکسان بودن رویای حجج الهی و مردم عادی، از کجا این خواب‌هایی که دیده می‌شوند القائنات شیطانی نباشند؟! زیرا در این که شیاطین می‌توانند برای انسان‌ها خواب سازی نمایند و به تعبیر دیگر، آنان را خواب نما کنند تردیدی وجود ندارد. در آیاتی از قرآن به القائنات شیاطین (حج: ۵۲-۵۳) و نجوای آنها (مجادله: ۱۰) و القاء مطالب به هواخواهان خود (انعام: ۱۲۱) اشاره شده است. همان‌گونه که قرآن به صراحت از ارتباط و القائنات شیطانی در هواداران باطل برای گمراه کردن اهل ایمان خبر داده است، روایات نیز به تمثیل شیطان به صورت افراد جهت ایجاد انحراف و فتنه اشاره کرده‌اند.<sup>۱</sup> از این رو قرآن با بیان رؤیای انبیای الهی، درصدد بیان نفی استیلا شیاطین بر انبیای الهی دارد نه این که خواب هر فردی را در رتبه وحی الهی قرار دهد.

در کتاب الحجّه کافی نیز از امام جواد علیه السلام در تفسیر سوره قدر روایتی نقل شده که خبر از ارتباط شیاطین با سران و پیشوایان گمراهی و دروغ‌پردازی برای آنان می‌دهد. (کلینی، بی‌تا: ج ۱، ۲۵۳) جالب این که برخی روایات، مدعی دروغی امامت را محشور با شیطان و لشکرانش معرفی می‌کنند.<sup>۲</sup> ضمن این که در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، یکی از نفخات و نفثات شیطانی، افضل دانستن یا عدل اهل بیت قرار دادن دیگران، بیان شده که احمد اسماعیل نیز چنین ادعایی دارد.<sup>۳</sup>

پس با وجود این القائنات و این که عموم معاصرین امامان را ندیده‌اند، پس اگر صورتی نورانی در خواب دیده شود که صاحب آن ادعا کند که من امام هستم، دلیل بر راستگویی او نیست.

البته پیروان ایشان به روایاتی که می‌گویند شیاطین به صورت انبیاء و امامان معصوم

۱. عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: إِنَّ شَيْطَانًا قَدْ وَلَعَ بَانِي إِسْمَاعِيلَ يُتَّصَرُّ فِي صُورَتِهِ لِيَفْتِنَ بِهِ النَّاسَ وَ أَنَّهُ لَا يُتَّصَرُّ فِي صُورَةِ نَبِيٍّ وَلَا وَصِيِّ نَبِيٍّ فَمَنْ قَالَ لَكَ مِنَ النَّاسِ: إِنَّ إِسْمَاعِيلَ ابْنِي حَيٌّ لَمْ يَمُتْ، فَإِنَّمَا ذَلِكَ الشَّيْطَانُ تَمَثَّلَ لَهُ فِي صُورَةِ إِسْمَاعِيلَ. (جمعی از علما، ۱۳۸۱ ش: ۱۹۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۴۷، ۲۶۹)

۲. «وَ اللَّهُ مَا يَدَّعِيهِ أَحَدٌ غَيْرُنَا إِلَّا حَسْرَةُ اللَّهِ تَعَالَى مَعَ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ ق: ۳۵۵)

۳. «يَنْفُخُونَ بِأَنْ يُوْهِمُوهُ أَنَّ أَحَدًا مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ فَاصِلٌ عَلَيْنَا، أَوْ عِدْلٌ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ». (امام عسکری، ۱۴۰۹ ق: ۵۸۵)

و شیعیان ظاهر نمی‌شوند، استناد می‌کنند. یعنی شیطان نمی‌تواند در صورت این افراد حتی در خواب ظاهر شود.<sup>۱</sup> که در پاسخ گفته می‌شود: برخی مفسران، (قمی، ۱۳۶۳ ش: ج ۲، ۳۵۶) ذیل آیه «إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ» (مجادله: ۱۰) روایتی را ذکر کرده‌اند که بیانگر ایجاد تخیل شیطانی به نام «زُها» برای حضرت زهرا علیها السلام است. این شیطان در قالب چهره رسول خدا صلی الله علیه و آله، حضرت علی و حسنین علیهم السلام درآمده و مرگ آنها را به حضرت فاطمه علیها السلام نشان داده است و پس از اطلاع رسول خدا صلی الله علیه و آله از این رویا و جست‌وجوی معنای آن از جبرئیل، متوجه می‌شود شیطان برای آزار حضرت فاطمه علیها السلام این رؤیا را ایجاد کرده است. با این حال، کلیت مضمون این روایت در منابع دیگر نیز یافت می‌شود. (کلینی، بی تا: ج ۸، ۱۴۲)

علامه مجلسی نیز این روایت را پذیرفته و آن را از احادیث مشهور می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۵۸، ۱۸۷) و برای تبیین آن کوشیده است اشکالات وارد شده بدان را پاسخ گوید. این روایت در ایجاد تخیل چهره معصوم علیها السلام برای معصوم دیگر صراحت دارد، آن هم شخصی مانند حضرت زهرا علیها السلام که نسبت به چهره فرزندان و پدر بزرگوارش شناخت کامل داشته است. از این جا می‌توان نتیجه گرفت شیاطین به طریق اولی برای ما - که این بزرگواران را ندیده‌ایم - می‌توانند چهره‌سازی کنند. (ر.ک: ترابی و شهبازیان، ۱۳۹۳ ش) ضمن آن که این روایات تنها گویای این هستند که شیاطین به صورت امامان معصوم ظاهر نمی‌شوند اما توانایی شیاطین برای قرار گرفتن در جایگاه ائمه علیهم السلام را رد نمی‌کنند.

ثالثاً این که مدعی یمانی و پیروانش برای امر خطیر وصایت، قائمیت و مهدویت او، یک آیه یا روایت مبنی بر امکان شناخت وی به وسیله خواب یا استخاره، بیان نکرده‌اند. ضمن این که حجیت رؤیا نیازمند اثبات و احراز است و اگر از طرف عقل و نقل در اثبات آن دلیل صریحی وجود نداشته باشد، عدم احراز بر عدم اعتبار دلالت می‌کند.

رابعاً از اشکالات دیگری که این جا مطرح می‌شود مشکل بودن تعبیر و تأویل رویاست؛ فهم رؤیای صادقه به راحتی ممکن نیست و افراد خاص که علم تعبیر به آنها الهام شده است

۱. امام رضا علیه السلام در حدیثی که شیخ صدوق نقل کرده است از اجداد خود که به رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌رسد می‌فرماید: هر کس مرا در خواب بیند خودم را دیده است چون شیطان به شکل و صورت من و هیچ‌کدام از اوصیاء من و به صورت هیچ‌کدام از شیعیان آنها ظاهر نمی‌شود. (صدوق، ۱۴۱۳ ق: ج ۲، ۵۸۵) در کتاب کمال‌الدین نیز می‌فرماید: روایت شده است که شیطان به صورت پیامبر صلی الله علیه و آله و وصی پیامبری ظاهر نمی‌شود. (صدوق، ۱۳۹۵ ق: ج ۱، ۷۰)

می‌توانند این مطلب را تشخیص دهند. چنان‌چه قرآن به این مطلب اشاره کرده است: (یوسف: ۴۳) «خواب مرا تعبیر کنید اگر شما واقعا تعبیر کننده هستید».

مرحوم طبرسی در ذیل این فراز می‌گوید: «أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنَّ كُنْتُمْ» تعبرون الرؤيا، و تدعون العلم بتأويلها. (طوسی، ۱۴۱۳ق: ج ۶، ۱۴۵) اگر شما توان تعبیر رؤیا و ادعای علم تاویل رؤیا را دارید، خواب مرا تأویل کنید.

نهایت این‌که تعدد خواب‌هایی که در آنها وجود رسول خدا ﷺ تخیل شده و ایشان به صحت اعتقادات اهل سنت اشاره کرده‌اند، نشانگر این می‌تواند باشد که جنیان و شیاطین می‌توانند چهره‌سازی کرده و برای بیننده رؤیا ایجاد توهم نمایند. (عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ج ۶، ۲۱)

### بررسی دلیل استخاره برمدعی احمدالحسن

یکی دیگر از مستمسکات مدعی یمانی استخاره با قرآن است. آنها مدعی هستند که خداوند متعال در قرآن به حقانیت احمداسماعیل شهادت می‌دهد. دلیل قرآنی که برای اثبات این ادعا به کار رفته آیه «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۳) است. آنها به این آیه استدلال می‌کنند و می‌گویند:

از آن‌جا که استخاره نوعی پرسش و درخواست بنده از پروردگار می‌باشد و خداوند می‌فرماید هرکس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است، پس استخاره دلیلی برای تشخیص مصداق «حق» می‌باشد. آگاه باشید که خداوند تبارک و تعالی، مؤید صاحب حق در عالم غیب هم‌چون مکاشفه و شهود، و دیدن رؤیای صادقه می‌باشد، و حقانیت او را به واسطه قرآن یا استخاره تأیید می‌کند؛ زیرا قرآن و خلیفه الهی تا روز قیامت، هرگز از هم جدا نمی‌شوند، پس قرآن به خلیفه الهی هدایت می‌کند و خلیفه الهی به قرآن (https://www.almahdyoon.com).

دسته دیگری از آیات که ایمان به غیب را بیان می‌کنند، (بقره: ۳؛ انبیاء: ۴۹؛ فاطر: ۱۸؛ یس: ۱۱؛ ق: ۳۳) دلیل دیگر مدعی یمانی بر استخاره با قرآن است. او با استناد به این آیات قائل است استخاره به قرآن از روش‌های امداد غیب خداوند نسبت به بندگان می‌باشد که خداوند متعال هر بنده ای را که بخواهد با آن تأیید می‌کند. (https://www.almahdyoon.com) در نهایت به روایاتی در موضوع استخاره هم اشاره می‌کنند.

## نقد و بررسی

در این مجال ابتدا به نقد ادله قرآنی او پرداخته و سپس حجت بودن استخاره در این مورد خاص بررسی می‌شود.

اولاً به نظر می‌رسد استناد به گروه اول از آیات مخدوش باشد زیرا آیه ۳ سوره طلاق در بیان توکل در امور، اعتماد داشتن به خداوند و نفی تعلق به غیر خداست، نه این که بدون کوچک‌ترین تعقل و تفکر و بررسی یک مسئله، نتیجه کارها به استخاره واگذار شود. توکل در امور به معنای نفی اسباب نیست و راه‌ها و اسباب شناخت امام، در روایات پیشوایان ذکر شده، در حالی که استخاره از آنها نیست. ضمن این که قرآن نفرموده استخاره از مصادیق هدایتگری به سوی امام است و اثبات این مطلب نیاز به دلیل دارد.

ثانیاً بر فرض که استخاره از مصادیق هدایتگری قرآن باشد در مورد کسانی که در مورد احمد بصری استخاره گرفتند و نتیجه استخاره باعث روی گرداندن از او شد، چه می‌گویید؟ آیا آنها جزء متوکلین و اعتمادکنندگان به خداوند به شمار نمی‌آیند؟ آیا کسی می‌تواند به خدا توکل کرده و درباره حقانیت دین اسلام و رسول خدا ﷺ استخاره کند؟

ثالثاً دسته دوم از آیاتی که ایمان به غیب را مطرح می‌کردند ربطی به موضوع مورد نظر ندارند زیرا درصدد بیان یکی از وظایف اهل ایمان که اعتراف به معارف غیبی در برابر معارف شهودی است می‌باشند. این آیات استخاره را از امدادهای غیبی معرفی نمی‌کنند.

رابعاً جالب این جاست چنان چه گذشت اتباع احمد در ذیل آیه ۳ سوره طلاق استخاره را دعا و پُرسش از خدا معنا می‌کنند ولی در آیات ایمان به غیب برای آن نقش قرعه در رفع تحیر و سرگردانی قائل می‌شوند.

خامساً بر فرض این که استخاره دعا نباشد<sup>۱</sup> و کاربردی همانند قرعه داشته و رفع تحیر کند با

۱. در بسیاری از روایات منظور از کلمه استخاره طلب خیر است، ولی احمد اسماعیل و پیروانش آن را حمل بر استخاره به معنای قرعه می‌کنند، به این موارد توجه کنید: امام صادق علیه السلام فرمود که خدا می‌فرماید: «من شقاء عبدی ان یعمل الاعمال ولا یتخیر بی»؛ از بدبختی بنده من آن است که کاری از کارهایش را بی استخاره (طلب خیر) از من انجام دهد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۹۱، ۲۲۲). امام باقر علیه السلام فرمود: پدرم امام سجاد علیه السلام هرگاه می‌خواست کاری انجام دهد، وضو می‌گرفت و دو رکعت نماز می‌خواند و بعد از نماز، دو بیست بار از درگاه خدا طلب خیر می‌نمود، سپس دعا می‌کرد و بعد آن کار را انجام می‌داد. و نیز روایت شده است که امیرمؤمنان علی علیه السلام در کیفیت این استخاره فرمود: ابتدا دو رکعت نماز بخوان، بعد صد بار بگو استخیر الله؛ یعنی از خدا طلب خیر می‌کنم. آنگاه دعا کن و سپس کار خود را انجام بده. (طبرسی، ۱۳۷۰ش: ۲۲۲).

بررسی ادله، برای استخاره قرآنی نمی توان دلیل معتبر شرعی اقامه کرد. منسوب کردن نتیجه استخاره به خداوند، توجیه شرعی ندارد و کاری که مستند به این نوع استخاره باشد، حجیت و قابلیت دفاع در محضر خدا را دارا نیست. (دانیالی، ۱۳۹۰) مثلاً اگر شخصی بدون کوچک‌ترین تعقل و تفکر و بررسی یک مسئله، نتیجه کارها را فقط و فقط به استخاره واگذار کند و به استخاره پناه برد هیچ حجت شرعی در محضر الهی ندارد و مخالف مبانی اسلامی است زیرا آیات بسیاری ما را امر به تعقل کرده‌اند (یوسف: ۲؛ انبیاء: ۱۰؛ محمد: ۲۴؛ قمر: ۱۷؛ ص: ۲۹) و از پیروی کردن از ظن نهی فرموده‌اند (یونس: ۱۰۷) و در اسلام برای انتخاب دین و مذهب به استخاره سفارشی نشده است. از طرفی در عصر حاضر، که می‌توان به آراء و نظریه‌های این شخص دست یافت و راه حق را انتخاب کرد، دیگر نیازی به استخاره نیست.

در نهایت بر فرض صحت استخاره با قرآن، برای شناخت حقانیت احمد، گفته می‌شود که تمام آیات قرآن قابل فهم نیستند تا بتوان آن را بر امر مشکوک تطبیق داده و به نتیجه استخاره آن ملزم بود. کسانی که با قرآن، انس و الفتی ندارند و محکم و متشابه آن را نمی‌شناسند و از علم تفسیر و تأویل، بهره‌ای ندارند، باید از استخاره و تفأل با قرآن، بپرهیزند. (عینی‌زاده، ۱۳۹۲ ش: ۱۶۴)

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور بررسی مستندات قرآنی مدعی یمانی و عرضه ادعاهای او بر قرآن صورت پذیرفت تا نتایج پژوهش‌های پیشین در رد ادعاهای او را تقویت کرده و ابطال آن را از مهم‌ترین منبع دینی به اثبات رساند. چنان‌چه بیان شد ادعای او در تمسک به آیاتی درباره وصیت، صحت تمام فقره‌های روایت وصیت و تطبیق آن بر احمد اسماعیل را ثابت نکرد. هم‌چنین معجزه، که احمد بصری آیات معجزات انبیاء و امامان را به نوعی توجیه کرد تا راه فراری برای خویش بگذارد. در بررسی رؤیا نیز روشن شد که برای اثبات مقام والایی چون امامت این دلیل باطل است. زیرا عموم خواب‌هایی که بدان‌ها استناد شده از نوع وحی، آن‌هم برای حجج الهی بود. ضمن این‌که هیچ‌کدام از آنها در بیان اثبات مدعای پیامبری آن بزرگواران نبوده، بر خلاف رؤیایی که احمد بصری به جهت اثبات ادعای امامت دنبال آن بود. در نهایت دلیل استخاره با قرآن که با بررسی ادله، برای آن دلیل معتبر شرعی یافت نشد.

## منابع

## قرآن کریم

- احمد اسماعیل، *پاسخ مختصر بر کتاب فتنه یمانی*، انتشارات انصار امام مهدی، بی‌جا، بی‌تا.
- \_\_\_\_\_، *الجواب المنیر عبر الأثیر*، اصدارات انصار الامام المهدی، بی‌جا، دوم، ۱۴۳۱ق (الف).
- \_\_\_\_\_، *المتشابهات*، اصدارات انصار الامام المهدی، بی‌جا، اول، ۱۴۳۱ق (ب).
- \_\_\_\_\_، *عقائد الاسلام*، اصدارات انصار الامام المهدی، بی‌جا، اول، ۱۴۳۷ق.
- \_\_\_\_\_، *الوصیة العاصمة من الضلال*، اصدارات انصار الامام المهدی، بی‌جا، اول، ۱۴۳۳ق.
- احمد سلمان، *الشهب الاحمدیه علی مدعی المهدویه*، بی‌جا، بی‌تا، ۱۴۳۳ق.
- امام حسن عسکری علیه السلام، *التفسیر*، قم، مدرسه الامام المهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
- آل محسن، شیخ علی، *الرد القاصم*، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۴۳۴ق.
- ترابی شهرضایی، اکبر؛ شهبازیان، محمد، «جایگاه رؤیا و خواب در تشخیص حجت الهی از منظر روایات»، *فصل نامه پژوهش‌های مهدوی*، شماره ۹، ۱۳۹۳ش.
- ترابی، اکبر، *مقاله جایگاه رؤیا و خواب در تشخیص حجت الهی از منظر روایات*، بی‌جا، پژوهشگاه مهدویت، بی‌تا.
- جمعی از علما، *اصول سته عشر (کتاب زید نرسی)*، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۱ش.
- حلّی، حسن بن یوسف مطهر، *الالفین*، تهران، انتشارات سعدی، بی‌تا.
- خزاز رازی، علی بن محمد، *کفایة الاثرفی النص علی ائمة الاثنی عشر*، مصحح: عبداللطیف حسینی کوه‌کمری، قم، بیدار، ۱۴۰۱ق.
- دانیالی، محمدجواد، «اعتبارسنجی استخاره با قرآن»، *فصل نامه فقه*، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، شماره ۶۸، ۱۳۹۰.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران، المكتبة المرتضویة لاحیاء آثار الجعفریة، ۱۳۸۳ش.
- سالم، علاء، *احمد موعود پیوند دهنده رسالات آسمانی و کشتی نجات برگزیدگان*، بی‌جا، بی‌تا، اول، ۱۴۳۳ق.



- سلیمیان، خدامراد، *درسنامه مهدویت*، قم بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام و مرکز تخصصی امامت و مهدویت، ۱۳۸۶ق.
- شوکانی، محمد بن علی بن محمد، *الفوائد المجموعه فی احادیث المرفوعه*، بیروت، المکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، *کمال السدین و تمام النعمه*، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.
- \_\_\_\_\_، *علل الشرائع*، قم، کتابفروشی داوری، اول، ۱۳۸۵ق.
- \_\_\_\_\_، *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ش.
- طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الاخلاق*، قم، شریف رضی، ۱۳۷۰ش.
- طوسی، محمد بن الحسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
- عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، *الاصابه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، *التفسیر، تصحیح هاشم رسولی*، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ش.
- عینی زاده، محمد، *مبانی فهم کلام خدا*، تهران، سروش، اول، ۱۳۹۲ش.
- فرج الله، احمد، *أدعیاء المهدویه*، بی جا، مرکز اسلامی للدراسات الاستراتیجیه، ۲۰۱۵م.
- فریدونی، محمدرضا، *پیشوایی نور*، تهران، نشر روشنای مهر، اول، ۱۳۹۲ش.
- قمی، علی ابن ابراهیم، *تفسیر قمی*، قم، دارالکتب، ۱۳۶۳ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
- کمره ای، محمد باقر، *ترجمه اصول کافی*، قم، اسوه، سوم، ۱۳۷۵ش.
- مجلسی، محمد تقی بن محمد باقر، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- محقق حلی، جعفر بن الحسن، *المسلك فی اصول الدین*، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، بی تا.
- المغربی، توفیق، *دلائل الصدیق و نقض غبار الشک*، بی جا، اصدارات انصار الامام المهدی، اول، ۱۴۳۴ق.
- مفید، محمد بن محمد، *مسائلان فی النص علی علی علیه السلام*، تحقیق محمدرضا انصاری، بیروت،

- دارالمفید، ۱۴۱۴ق .
- میلانی، سیدعلی، *جواهرالکلام فی معرفة الامام*، قم، مرکز الحقائق الاسلامیة، ۱۳۹۰.
  - ناظم العقیلى، *دفاع عن الوصیه*، بی جا، اصدارات انصار الامام المهدي، دوم، ۱۴۳۲ق .
  - \_\_\_\_\_، *الرد الحاسم على منكرى ذرية القائم*، بی جا، اصدارات انصار الامام المهدي، دوم، ۱۴۳۳ق .
  - نعمانی، محمدبن ابراهیم، *الغیبة*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات صدوق، ۱۳۹۷ق .
  - هلالی، سلیم بن قیس، *کتاب سلیم*، قم، دلیل ما، بی تا.
  - یزدانی، احمد، *نظراجمالی در دیانت بهایی*، تهران، بی نا، ۱۳۵۰ش .
  - المهديون ([www.farsi.almahdyoon.org](http://www.farsi.almahdyoon.org))
  - المكتبة اليمانية (Almaktab Alyamaniy)
  - انصار المهدي ([www.almahdyoon.org](http://www.almahdyoon.org))